

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۶

یوحنا ۱۳:۳۳-۱۴:۳۱

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۶، سخنرانی خداحافظی، فرمانی جدید و یآوری دیگر است. یوحنا ۱۳:۳۱-۱۴:۳۱

ما در حال مطالعه‌ی سخنرانی خداحافظی عیسی در یوحنا ۱۳ تا ۱۷ هستیم. در ویدیوی قبلی مدتی را صرف تلاش برای درک شستن پاهاپی که عیسی بر روی شاگردان انجام داد، در متن اصلی آن و چگونگی معرفی بقیه‌ی سخنرانی و چگونگی واکنش ما به آن در زمان حال کردیم. ظاهراً، شاگردان باید ذهن خود را در جای درست قرار می‌دادند تا الگویی از فروتنی و همچنین نحوه‌ی پاک شدن آنها از گناه توسط کار رستگاری بخش عیسی داشته باشند و این قطعاً راهی مناسب برای آماده‌سازی آنها برای دریافت آموزه‌های او بود.

تنها زمانی که ذهن خود را بر شباهت و فروتنی مسیح و خدمت به دیگران متمرکز کنیم، در جایگاه مناسبی، برای درک کتاب مقدس و به کارگیری آنها در زندگی خود هستیم. بنابراین، عیسی پاهاپی شاگردان را شست الگویی برای آنها به جا گذاشت که باید برای یکدیگر انجام دهند، همانطور که او برای آنها انجام داده است، و سپس پس از رفتن یهودای خائن و فرار رسیدن شب، شروع به آموزش آنها کرد. بنابراین، همانطور که پرده شب بر جهان افتاده است، عیسی، به عنوان نور جهان، همچنان به تعلیم شاگردان و روشن کردن زندگی آنها، در مورد چگونگی زندگی آنها پس از رفتن او، ادامه می‌دهد.

بنابراین، می‌خواهیم به بقیه یوحنا ۱۳ برویم و یوحنا ۱۴ را نیز در این ویدیو مورد بحث قرار دهیم. بنابراین همانطور که در گذشته انجام داده‌ایم، دوباره سعی می‌کنیم اول از همه، جریان روایی متن و نحوه آشکار شدن آن را برای ما درک کنیم. بنابراین، با من همراه باشید که وقتی یهودا رفته و شب شده است، عیسی بلافاصله شروع به آموزش شاگردان در مورد چگونگی این جلال متقابل بین او و پدر می‌کند و این اساس فرمان جدید است.

بنابراین، ما آموزه مربوط به فرمان جدید را در آیات ۳۱ تا ۳۵ دریافت می‌کنیم. پطرس با آنچه عیسی به عنوان مقدمه‌ای بر فرمان جدید گفته است، مشکل دارد زیرا عیسی گفته است: من می‌روم و تو نمی‌توانی از پی من بیایی. پطرس این را دوست ندارد.

او این را نمی‌فهمد. او می‌خواهد با عیسی همراه شود. بنابراین، او این موضوع را با عیسی در آیاتی، چند آیه اول اینجا، تقریباً در انتهای فصل ۱۳، ابتدای فصل ۱۴، بررسی می‌کند.

این ترتیب آیات ابتدای فصل ۱۴ است که در آن عیسی درباره بازگشت دوباره به نزد شاگردان و پذیرفتن آنها صحبت می‌کند. این احتمالاً دشوارترین بخش یوحنا ۱۴ است، حداقل به نظر من، و اینکه آیا عیسی درباره کاری که در آینده دور انجام خواهد داد، یعنی آخرالزمان، صحبت می‌کند یا اینکه درباره آمدن خود در قالب روح صحبت می‌کند یا اینکه فقط می‌گوید، من پس از رستخیز باز خواهم گشت. بنابراین، برمی‌گردیم و کمی در مورد دو آیه اول یوحنا ۱۴ تأمل خواهیم کرد.

در این مرحله، توماس از عیسی در مورد راه می‌پرسد. بنابراین، ما این را به عنوان مقدمه‌ای برای متن معروف داریم که در آن عیسی می‌گوید: «من راه، حقیقت و حیات هستم. هیچ کس جز به وسیله من نزد پدر نمی‌آید.»

در این مرحله، فیلیپ نیز می‌خواهد درباره چیزهایی بداند. او فقط می‌خواهد پدر را ببیند. بنابراین، عیسی برای فیلیپ توضیح می‌دهد که اگر او عیسی را تجربه کرده و با او ارتباط برقرار کرده است، پس با پدر نیز رابطه دارد.

او پدر را دیده است. او در این بخش برای اولین بار درباره آمدن روح صحبت می‌کند. من فکر می‌کنم نکته این است که شخص پدر را تجربه خواهد کرد و پدر به او نشان داده خواهد شد، نه تنها توسط عیسی، بلکه با حضور مداوم عیسی از طریق روح.

بنابراین، آنها پدر را از طریق عیسی شناخته‌اند و پدر را از طریق روحی که عیسی و پدر می‌فرستند، همچنان خواهند شناخت. در نهایت، یهودا سوالی می‌پرسد. این یهودای اسخریوطی نیست، بلکه یهودای متفاوتی در حلقه رسولان است.

یهودا می‌خواهد بداند چرا عیسی از نشان دادن خود فقط به شاگردان و نه به کل جهان صحبت می‌کند. من فکر می‌کنم این به درک یهودا از اینکه مسیح چه کسی خواهد بود، نحوه عملکرد مسیح و اینکه چگونه یک رهبر بزرگ و متکی به مقام و منزلت، یک رهبر نظامی-حکومتی، اساساً جهان را تصرف خواهد کرد، مربوط می‌شود. یهودا به دنبال همین بود و بنابراین نمی‌توانست بفهمد که چرا عیسی از آینده‌ای صحبت می‌کند که در آن فقط خودش را به شاگردان نشان خواهد داد.

بنابراین، به نظر من، متون بعدی توضیح می‌دهند که چرا عیسی این کار را می‌کند و چرا او حداقل بلافاصله آن مسیح اجتماعی-سیاسی نخواهد بود. بنابراین، این فصل با نقل مکان شاگردان توسط عیسی به مکانی دیگر به پایان می‌رسد. او می‌گوید، بیایید، برویم، به جای دیگری برویم، که سپس مستقیماً به فصل ۱۵ با روایتی در مورد تاک و شاخه‌ها، روایت مجازی در آنجا، می‌پرد.

برخی تصور کرده‌اند که شاید این به این معنی باشد که عیسی در آن زمان از میان یک تاکستان عبور می‌کرده و بر اساس آن تعلیم می‌داده است. من مطمئن نیستم که آیا این معتبر است یا خیر، با توجه به توپوگرافی و تاریخ اجتماعی منطقه اورشلیم در آن زمان، اینکه آیا واقعاً تاکستانی در آن اطراف وجود داشته یا خیر. من در مورد این مطمئن نیستم، اما گمان می‌کنم این یک درک احتمالی از آن است.

خب، این جریان روایی متن است. بیایید کمی بیشتر در مورد چگونگی بسط این روایت و آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد فکر کنیم. و من آن را به عنوان مجموعه‌ای از پنج سوال در نظر می‌گیرم که پاسخ‌های عیسی را شکل می‌دهند.

بنابراین، این چندان به معنای گفتمان نیست که عیسی فقط در مورد دیدگاه‌های خود صحبت می‌کند و چیزی را انجام می‌دهد که می‌توان آن را مونولوگ یا نوعی تک‌گویی نامید. عیسی در حال گفتگو با حواریون است. آنها از او سؤال می‌پرسند و او پاسخ می‌دهد.

بنابراین، اگر این یک گفتمان باشد، گفتمانی است که شامل برخی عناصر دیالوگ گونه است. اینطور نیست که آنها مدام در حال مکالمه باشند، بلکه سوالات آنها باعث می‌شود که عیسی مدتی در مورد یک موضوع صحبت کند. و سپس سوال دیگری مطرح می‌شود، بنابراین او کمی بیشتر در مورد آن صحبت می‌کند.

بنابراین، احتمالاً می‌توانیم این گفتمان محاوره‌ای را به این شکل خلاصه کنیم، اولین سوال پطرس از عیسی چرا نمی‌توانم از تو پیروی کنم؟ خب، نمی‌توانی، اما بعداً خواهی کرد. کمی مبهم است. بنابراین، سوال دوم پطرس این است که چرا؟ من الان جانم را برای تو می‌دهم.

اگر قرار است بمیری، باشه، من هم با تو می‌میرم. الان می‌توانم با تو بیایم. و عیسی می‌گوید، خب، راستش را بخواهی، تو قرار است سه بار من را انکار کنی.

اما کمی بعد از آن، عیسی می‌گوید، و من فکر می‌کنم که او هنوز کم و بیش مستقیماً با پطرس صحبت می‌کند، بگذار دلت مضطرب نشود. به نظر می‌رسد این یک روش جالب برای نگاه کردن به یوحنا فصل ۱۴ آیه ۱ باشد، متنی که ما اغلب آن را از متن خارج می‌کنیم و فقط به عنوان یک قاعده کلی می‌گوییم، نگذار دلت مضطرب شود. خب، البته، این مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد، اما در متن اصلی خود، با پطرس صحبت می‌کند، کسی که به او گفته شده است که عیسی را انکار خواهد کرد.

بنابراین، می‌دونی، الان دیگه نمی‌تونی از من پیروی کنی، حتی اگه از صمیم قلب بخوای برای من بمیری، و به این شکل با من بیای. این اتفاق نمی‌افته، اما اشکالی نداره. تو هنوز یکی از مردم من خواهی بود، و در آینده هم حضور من رو خواهی داشت.

دلت نلرزد. سپس توماس وارد بحث می‌شود و می‌خواهد بداند، می‌گوید، اساساً، مسئله فقط این نیست که ما نمی‌دانیم کجا می‌روی، ما نمی‌دانیم چگونه به آنجا خواهی رسید. ما راه را نمی‌دانیم.

بنابراین، این نوعی دیگر از این موارد است، نه تنها این، بلکه آن نیز، سبک و سنگین، کال و هومر از یک چیز به چیز دیگر، انواع چیزها را قیاس می‌کند. بنابراین، نه تنها ما نمی‌دانیم کجا می‌روید، بلکه حتی نمی‌دانیم از چه راهی به آنجا خواهید رسید. بنابراین، عیسی شروع به گفتن می‌کند، من در واقع راه هستم.

پس تو راهی را که من می‌روم می‌دانی، چون من راه هستم، من حقیقت هستم، و من حیات هستم، و هیچ‌کس جز به وسیله‌ی من نزد پدر نمی‌آید. در این مرحله، فیلیپ می‌گوید، فقط پدر را به ما نشان بده. می‌دانی، عیسی گفته است، من راه و حقیقت هستم، هیچ‌کس جز به وسیله‌ی من نزد پدر نمی‌آید.

بسیار خوب، پس پدر را به ما نشان بده. عیسی پاسخ می‌دهد، اساساً، من پدر را با شیوه‌ای که آموزش داده‌ام و با معجزاتی که انجام داده‌ام، به شما نشان داده‌ام. هر کاری که انجام داده‌ام به دستور پدر بوده است.

من نماینده او بوده‌ام، بنابراین اگر من را دیده‌اید، پدر را دیده‌اید، و نه تنها این، بلکه او می‌گوید، اگرچه من می‌روم، اما یاور، پاراکلتوس، مدافع، تسلی‌دهنده را می‌فرستم، با این حال، شما می‌خواهید این اصطلاح را ترجمه کنید. بنابراین، نه تنها شما اشاره‌گر، مثال، آموزه و معجزات من را که پدر را به شما نشان داده‌اند داشته‌اید، بلکه در شرف دریافت یآوری هستید که حضور من را با شما ادامه خواهد داد و به شما نشان خواهد داد که پدر کیست. در این مرحله، یهو می‌گوید، خب، چطور می‌شود که فقط خودتان را به ما نشان می‌دهید و نه به جهان؟ در حال حاضر، فکر می‌کنم این، از بعضی جهات، شاید سخت‌ترین پاسخ به این سؤالات برای فهمیدن باشد، و عیسی اساساً به یهو می‌گوید، کسی که می‌خواهد بداند چرا عیسی در جهان گسترده‌تر به خوبی شناخته نخواهد شد، چرا همه او را آنطور که هستند نخواهند شناخت، بدیهی است که هر کسی که مرا دوست دارد، آیه ۲۳، از تعالیم من اطاعت خواهد کرد، و پدرم آنها را دوست خواهد داشت، و ما به سوی آنها خواهیم آمد و خانه خود را با آنها خواهیم ساخت.

به عبارت دیگر، عیسی در اینجا می‌گوید که نشان دادن خودم به جهان، نشان دادن من، خودم، به هر کسی خواهد بود که مرا دوست داشته باشد، هر کسی که شخصاً از طریق روح با من رابطه داشته باشد. بنابراین هر کسی که مرا دوست نداشته باشد، آیه ۲۴، از تعلیم من اطاعت نخواهد کرد. من فکر می‌کنم او در اینجا می‌گوید، ببین، یهو، در آینده یک دوگانگی، یک تفرقه، وجود خواهد داشت، همانطور که قبلاً در خدمت من وجود داشته است.

، بعضی‌ها آنچه را که من تعلیم می‌دهم می‌پذیرند، بعضی‌ها آنچه را که من تعلیم می‌دهم نمی‌پذیرند. بنابراین مسئله فقط این نیست که من خودم را به جهان نشان دهم. مسئله این است که جهان آموزه‌های مرا که از پدر دریافت کرده‌ام بپذیرد.

بنابراین، اگر آنها آماده دریافت آموزه‌ای که من از پدر دریافت کرده‌ام نیستند و پیام مرا نمی‌پذیرند، از اینجا به بعد من با آنها اینگونه ارتباط برقرار نخواهم کرد. بنابراین، ظاهراً این خلاصه‌ی این فصل به عنوان نوعی گفتگو است، گفتگویی که نه فقط با ارائه‌ی آموزه‌های عمیق توسط عیسی، بلکه با پاسخ مستقیم او به سؤالات شاگردان، توسعه می‌یابد. این نباید ما را متعجب کند زیرا ما شاهد آشفتگی، سردرگمی و ناامیدی کامل آنها با اعلام رفتن عیسی هستیم.

فکر می‌کنم اگر آنها احتمالاً سه سال با او قدم می‌زدند و صحبت می‌کردند و تقریباً تمام ساعات بیداری خود را در حضور او می‌گذراندند، حرف‌هایش را می‌شنیدند، نگاهش می‌کردند، می‌دیدند، و حالا او می‌گوید: من رفته‌ام و تو نیستی، چه احساسی داشتند؟ آیا این کار باعث نمی‌شد که شما ناامید شوید؟ بنابراین، آنها شروع به پرسیدن سؤالاتی از عیسی می‌کنند و به اصطلاح سخنرانی او در واقع راهی برای پاسخ به سؤالات آنهاست. بنابراین، بیایید برگردیم و به برخی از موارد خاصی که در سخنرانی با آنها مواجه می‌شویم نگاهی بیندازیم و ببینیم چگونه می‌توانیم به برخی از این مسائل پاسخ دهیم.

اولین چیزی که در این گفتمان اتفاق می‌افتد، البته، این است که عیسی فرمان جدید را می‌دهد و پس از صحبت کردن، به محض اینکه یهودا در آیه ۳۰ می‌رود، عیسی، اولین چیزی که می‌گوید این است که اکنون پسر انسان جلال یافته است و خدا در او جلال یافته است. من فکر می‌کنم او می‌گوید حالا که یهودا رفته است و اوضاع به نوعی به حرکت درآمده است، اوضاع خیلی سریع به سمت شما خواهد آمد. او می‌گوید که ساعت من فرا رسیده است، صلیب در حال نزدیک شدن است، سایه آن از قبل بر این گفتمان افتاده است.

بنابراین، عیسی با تعلیم حضور معنوی خود از طریق روح القدس، شاگردان را از نظر فیزیکی برای غیبت خود آماده می‌کند. بنابراین، اگر بخواهیم آن را تثلیث بنامیم، این دوگانگی، عمل متقابل بین پدر و پسر وجود دارد. که قبلاً در آموزه‌های عیسی و کارهایی که در سراسر این انجیل انجام داده است، مشاهده شده است. بنابراین، این عمل متقابل در شور و اشتیاق او ادامه خواهد یافت.

اکنون، پسر انسان جلال یافته است و خدا در او جلال یافته است. اگر خدا در او جلال یابد، خدا پسر را در خود جلال خواهد داد و او را فوراً یا فوراً جلال خواهد داد. بنابراین، این اتفاق در شرف وقوع است و بنابراین همه چیز به سرعت پیش خواهد رفت.

بنابراین، عیسی می‌گوید، شما مرا جستجو خواهید کرد و مرا نخواهید دید. من خواهم رفت. جایی که من هستم، شما نمی‌توانید بیایید.

فکر می‌کنم این همان آموزه‌ای است که سؤالاتی را که در فصل ۱۴ به آنها پرداختیم، ایجاد کرد. بنابراین عیسی، با توجه به این موضوع، اکنون که یهودا رفته و وقایعی را آغاز کرده است که به زودی منجر به مصلوب شدن عیسی خواهد شد، اولین چیزی که می‌خواهد به آنها بگوید که برای مقابله با این وضعیت جدید در غیاب او باید داشته باشند، همان چیزی است که امروز به آن نگاه می‌کنیم و آن را فرمان جدید می‌نامیم. بنابراین، در یوحنا ۱۳:۳۴، متنی داریم که مطمئناً بسیاری از شما از قبل با آن آشنا هستید، یک فرمان جدید که به شما می‌دهم، دوست داشتن یکدیگر.

همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، شما نیز باید یکدیگر را دوست داشته باشید. با این کار، همه می‌دانند که اگر به یکدیگر عشق بورزید، شاگردان من هستید. عیسی در اینجا چه می‌گوید و چرا از آن به

عنوان یک فرمان جدید یاد می‌کند؟ وقتی به چیزی به عنوان چیزی جدید فکر می‌کنیم، می‌توانیم آن را به عنوان چیزی در نظر بگیریم که می‌توان گفت کاملاً جدید است، کاملاً بی‌سابقه از هر نظر، شکل یا فرم، یا چیزی که جدید است به این معنا که روشی جدید یا نو برای نگاه کردن به چیزی است که در واقع قدیمی است.

آیا فرمان جدید چیزی است که قبلاً هرگز در کتاب مقدس شنیده نشده است، یا بسته‌بندی جدیدی با بینش جدید، پیشینه جدید، انگیزه جدید و نمونه جدیدی است که آن را برمی‌انگیزد؟ من فکر می‌کنم که به احتمال زیاد مورد اول است. بنابراین، من می‌گویم فرمان عیسی کاملاً جدید نیست. همانطور که از سنت سینوپتیک می‌دانیم، وقتی از او در مورد مهمترین آموزه عهد عتیق سؤال شد، عیسی به طور ضمنی به لاویان اشاره کرد و گفت که دوست داشتن خدا با تمام وجود و دوست داشتن همسایه مانند خود، چارچوبی ۱۹ است که کل تورات بر آن بنا شده است.

همه چیز به معنای واقعی کلمه از آن معلق است. همه چیز به آن گره خورده است. بنابراین، این که قوم خدا باید یکدیگر را دوست داشته باشند، به هیچ وجه آموزه جدیدی نیست.

اگر فقط لحظه‌ای وقت بگذاریم و به کتاب مقدس عبری برگردیم، بیایید به لاویان فصل ۱۹ نگاهی بیندازیم. در لاویان ۱۹، متنی را داریم که اغلب به آن استناد می‌شود، متنی که توسط عیسی به عنوان درست در کنار شما، خدای مهربان با تمام وجود، به عنوان آموزه اصلی عهد عتیق ذکر شده است. اما وقتی به لاویان ۱۹ کمی فراتر از آیه ۱۸ نگاه می‌کنیم، جایی که می‌خوانیم، همسایه خود را مانند خود دوست بدارید، متون دیگری فراتر از آن وجود دارد که از نظر انگیزه بسیار جالب هستند.

بنابراین، اگر کمی بیشتر به آیات ۳۳ و ۳۴ این فصل نگاه کنید، می‌گویید، وقتی غریبه‌ای در سرزمین شما در میان شما ساکن است، با او بدرفتاری نکنید. با غریبه‌ای که در میان شما ساکن است باید مانند یک شهروند خودتان رفتار کنید. او را مانند خودتان دوست داشته باشید.

بنابراین، اگر در آیه ۱۸ از خود می‌پرسید که همسایه کیست، باید بگوییم که منظور از همسایه فقط یک اسرائیلی نیست. بلکه هر کسی است که در جامعه شما زندگی می‌کند. او را مانند خودتان دوست بدارید.

شما در مصر غریب بودید. من خداوند، خدای شما هستم. به نظر می‌رسد آنچه در اینجا به قوم اسرائیل آموخته می‌شود این است که شما تجربه غریب بودن در مصر را داشته‌اید.

شما می‌دانید که این چه حسی دارد، و شاید شما هم در آنجا مشکلاتی داشتید که با شما به عنوان یک غریبه در یک سرزمین بیگانه منصفانه رفتار نمی‌شد. بنابراین، شما در مصر خارجی بودید. شما غریبه بودید.

تو می‌دانی که غریب بودن چه حسی دارد. با دیگران همانطور رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود. من خداوند، خدای تو هستم.

بنابراین، ظاهراً آنچه در این زمینه به آنها گفته می‌شود این است که خدا اسرائیل را دوست داشت، زمانی که آنها در سرزمینی غریب غریب بودند. بنابراین، آنها عشق خدا را در آنجا تجربه کردند و اساساً به آنها آموخته می‌شد که خدا را دوست داشته باشند، همانطور که خدا آنها را دوست داشته است. بنابراین، این ایده که شما باید یکدیگر را دوست داشته باشید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، یک نوآوری کاملاً جدید و بدون هیچ گونه آموزه بی‌سابقه‌ای نیست.

به نظر من، چیزی در این مورد وجود دارد که به آنچه در کتاب مقدس عبری می‌گذرد، اشاره دارد. می‌توانیم این را در کتاب تثنیه دنبال کنیم و ببینیم که چگونه به اسرائیل گفته شده است که خدا آنها را در فصل ۷ تثنیه دوست داشته است، نه به این دلیل که آنها دوست‌داشتنی یا قابل توجه بودند یا از قبل جایگاهی داشتند و خدا گفته است، بهتر است با آنها ارتباط برقرار کنم زیرا آنها از قبل بسیار قدرتمند هستند. درست برعکس.

انگیزه خدا برای دوست داشتن اسرائیل در تثنیه مرموز به نظر می‌رسد. خدا تصمیم گرفت آنها را دوست داشته باشد. او مطمئناً آنها را به خاطر شخصیتشان دوست نداشت.

او اساساً می‌گوید وقتی آنها را پیدا کرد و شروع به دوست داشتنشان کرد، هیچ‌کس نبودند. بنابراین، دوست داشتن خدا چیزی نیست، و عشق خدا به ما چیزی نیست که سزاوار آن باشیم یا چیزی باشد که به هر شکلی شایسته آن باشیم یا چیزی که متقابل باشد. خدا اسرائیل را دوست داشت زیرا می‌دانست اگر اسرائیل آنها را دوست داشته باشد، برای او چه خواهد کرد.

می‌دانید، همانطور که ما با مردم روابط تجاری برقرار می‌کنیم، پشت یکدیگر را می‌گیریم، عمل متقابل به این معنا، هیچ ارتباطی با انگیزه خدا برای دوست داشتن قومش در دوران عهد عتیق یا امروز ندارد. بنابراین، همانطور که اسرائیل در عهد عتیق با تأمل در مورد عشق او به آنها، انگیزه دوست داشتن خدا را پیدا می‌کرد عیسی نیز می‌گوید شما باید یکدیگر را دوست داشته باشید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام. اگر وقت بگذاریم و یک متن مطابقت پیدا کنیم و به اصطلاح عشق در انجیل یوحنا نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که عشق عیسی به شاگردان همان عشقی است که خدا او را با آن دوست داشته است.

بنابراین، در این متن خاص به صراحت بیان نشده است، اما ممکن است عیسی در ادامه گفته باشد که یکدیگر را دوست داشته باشید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام و روشی که من شما را دوست داشته‌ام، روشی است که پدر مرا دوست داشته است. این یک آموزه یوحناپی در متون دیگر است، اما در این مقطع خاص درست نیست. بنابراین، چه چیزی در مورد فرمان جدید جدید است؟ چرا عیسی آن را "جدید نامید؟ به نظر من چیزی که آن را جدید می‌کند، قطعه "همانطور که من شما را دوست داشته‌ام" است.

قوم خدا در طول قرن‌ها شاهد جلوه‌های بسیاری از عشق و وفاداری خدا به خود بوده‌اند. شاید بتوان گفت که در عهد عتیق، بزرگترین نمونه عشق خدا به اسرائیل، شیوه قدرتمندی بود که او آنها را از مصر بیرون آورد و به سرزمین جدیدی در اسرائیل، در فلسطین، آورد. بنابراین، این مانند این است که، وای، خدا این کار را برای ما انجام داد.

ما باید مطمئن شویم که به شیوه‌ای زندگی می‌کنیم که او را گرامی می‌دارد. بنابراین، وقتی خدا شریعت را به آنها داد، شریعت را به عنوان وسیله‌ای به آنها داد که با آن در سرزمین جدیدی که به آنها داده بود، زندگی کنند و او را جلال دهند. بنابراین، آنچه عیسی در اینجا می‌گوید این است که یکدیگر را دوست داشته باشید، همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، زیرا سایه صلیب بر همه آنها سایه افکنده است.

دوست داشتن یکدیگر همانطور که من شما را دوست داشته‌ام، نه تنها به معنای همان چیزی است که آنها در فروتن کردن خود و شستن پاهای عیسی تجربه کرده بودند، بلکه به معنای دوست داشتن یکدیگر همانطور که من شما را دوست داشته‌ام و فدا کردن خودم برای پرداخت جریمه گناه شما، فراهم کردن راهی برای شما برای ادامه رابطه‌تان با خدا از طریق من است. بنابراین، به گمانم، این مدل جدید عشق، آن نمونه جدید از عشق است که این متن را به متنی جدید تبدیل می‌کند، و همچنین روشی که روح القدس به آنها

کمک می‌کند تا عشق خدا را بیشتر درونی کنند. عیسی قرار است در مورد آمدن روح به آنها بیاموزد و به آنها می‌گوید، روح با شماست.

شما کاملاً با روح ناآشنا نیستید. روح در حال حاضر در زندگی شما در حال کار است، اما چیزی وجود دارد، که پس از روح اتفاق خواهد افتاد. بنابراین، اکنون که قرار است از طریق روح، رابطه‌ای تقویت شده با خدا، رابطه‌ای تازه و تجدید شده با خدا داشته باشید، می‌خواهم یک فرمان جدید به شما بدهم.

بنابراین، به این فکر کنید که ما گاهی اوقات از نظر الهیاتی در مورد رابطه عهد عتیق با عهد جدید، وحدت کتاب مقدس در مقابل تنوع در شیوه‌های ارتباط خدا با قوم خود در سراسر کتاب مقدس، عهد عتیق و عهد جدید، بحث‌هایی داریم. ما خطوط نبرد متفاوتی را در مورد این نوع سؤالات ترسیم کرده‌ایم. ما متکلمان کاملاً عهدگرا داریم و ما تقدیرگرایانی را داریم که کتاب مقدس را به قطعات کوچک، به دوره‌ها و دوره‌های کوچک تقسیم کرده‌اند.

همه اینها به این بستگی دارد که چگونه به چنین متنی می‌رسیم. بنابراین، اگر ما طوری تربیت شده باشیم که کتاب مقدس را به عنوان یک کتاب در نظر بگیریم، شاید فکر کنیم که فرمان جدید بیشتر در راستای همان چیزی است که من توصیف کردم. اگر شما طوری تربیت شده باشید که کتاب مقدس را به عنوان عهد عتیق و عهد جدید در نظر بگیرید، و تفاوت زیادی بین این دو وجود داشته باشد، شاید بیشتر تمایل داشته باشید که فکر کنید این یک فرمان کاملاً جدید است.

اما اگر اینطور فکر می‌کنید، پس باید با تمام این متون عهد عتیق سر و کار داشته باشید، که اساساً همان چیزی را به اسرائیل می‌گویند که خدا اینجا به شاگردانش می‌گوید. بنابراین، به فکر کردن در مورد آن ادامه دهید و به نتیجه‌ای برسید که با درک شما از کتاب مقدس مطابقت داشته باشد. موضوع دیگری که می‌توانیم در اینجا به آن فکر کنیم و در مورد آن صحبت کنیم این است که عیسی در آیات ۲ و ۳ وقتی از آمدن خود صحبت می‌کند، از چه چیزی صحبت می‌کند. این یک سوال بسیار پیچیده است، به ویژه در رابطه با یوحنا، که آخرت‌شناسی او، همانطور که در ویدیوهای قبلی کمی در مورد آن صحبت کردیم، نوعی آخرت‌شناسی آغازین است.

این صرفاً این نیست که ساعتی فرا می‌رسد که در آن خدا حکومت خواهد کرد و خدا داوری خواهد کرد بلکه عیسی در فصل ۵ تعلیم داده است که ساعتی که در راه است، به نوعی از قبل فرا رسیده است. مردم در حال حاضر صدای خدا را می‌شنوند که آنها را از مرگ به زندگی فرا می‌خواند و آنها در حال ورود به زندگی هستند. بنابراین، تصویر داوری و پاداش آخرالزمانی توسط آموزه‌های عیسی به زمان حال آورده شده است.

بنابراین، ما به این متن بسیار آشنا نگاه می‌کنیم: «دل‌هایتان مضطرب نشود. شما به خدا ایمان دارید، به من». نیز ایمان داشته باشید. خانه پدر من اتاق‌های زیادی دارد.

اگر اینطور نبود، به شما می‌گفتم که به آنجا می‌روم تا مکانی برای شما آماده کنم. اگر بروم و مکانی برای شما آماده کنم، برمی‌گردم و شما را با خود می‌برم تا جایی که من هستم، شما نیز با من باشید. من پیشینه شما را در مورد این متن نمی‌دانم، اما مطمئناً به عنوان یک مسیحی جدید آموزش دیده‌ام و از آن زمان تاکنون اغلب، در مورد آن تعلیم شنیده‌ام که عیسی در مورد چیزی صحبت می‌کند که معمولاً آمدن دوم او نامیده می‌شود او در مورد زمانی صحبت می‌کند که به زمین باز می‌گردد و قوم خود را نزد خود می‌برد و سپس برمی‌گردد و شاید آنها را به بهشت می‌برد تا برای همیشه با او باشند.

مشکل این برداشت این است که، اگرچه ممکن است تا حدودی با متونی مانند اول تسالونیکیان فصل ۴ شباهت داشته باشد، اما دقیقاً با آموزه‌های کامل کتاب مقدس در مورد آخرالزمان، مبنی بر اینکه خدا قرار

است جهان را نجات دهد، او قرار است کیهان را نجات دهد و او برای تغییر جهان باز خواهد گشت مطابق ندارد. همانطور که کتاب مقدس در آخرالزمان مربوط به یوحنا به پایان خود می‌رسد، ما آسمان‌های جدید و زمین جدید را داریم و آسمانی را که به زمین می‌آید و زمین را اصلاح می‌کند، به تصویر می‌کشد. بنابراین، آخرالزمان به طور کلی مانند این نیست که خدا قوم خود را از این مکان کثیف به نام زمین تخلیه کند، مانند آنچه که آنها مجبور شدند سربازان بریتانیایی را در جنگ جهانی دوم از دانکرک تخلیه کنند و جهان را به سلطه شیطان بسپارند، اما با این وجود، ما قوم خدا را بیرون کردیم، بنابراین نفس راحتی بکشید که از آن مکان شرور بیرون آمده‌ایم.

این یک دیدگاه جامع از آخرالزمان کتاب مقدس نیست، زیرا پیروزی بزرگی را برای شیطان به ارمغان می‌آورد در نهایت، خدا همه چیز در همه چیز خواهد بود و کل کیهان با خدا آشتی خواهد کرد. بنابراین، باید مفهومی از آخرالزمان وجود داشته باشد که فراتر از این گریز از واقعیت باشد، جایی که قوم خدا از ظلمی که از نیروهای شیطانی دریافت کرده‌اند، رهایی می‌یابند.

بنابراین، وقتی به آنچه در اینجا در یوحنا ۱۴ تا ۱۶ در مورد آمدن عیسی به طور کلی آموزش داده شده است نگاه می‌کنیم، به نظر من آمدن عیسی می‌تواند به معنای واقعی کلمه به سه آمدن مختلف اشاره داشته باشد و ما باید این آمدن‌ها را به عنوان راه‌های تدریجی که حضور خدا در جهان آشکار و در حال رشد است، در نظر بگیریم. بنابراین، شاید سه راه مختلف برای درک آمدن عیسی در این مطالب داشته باشیم بنابراین، ما این دسته‌ها را مطرح خواهیم کرد و به برخی از این متون نگاه خواهیم کرد و در مورد آنها به نتیجه‌گیری خواهیم رسید.

وقتی عبارت «عیسی به سوی شاگردان بازمی‌گردد» را می‌شنویم، احتمالاً منظورمان ظهورهای پس از رستاخیز، اوست. بنابراین، او اندکی پس از مرگش در قبر، برای دیدن آنها باز خواهد گشت. و می‌دانیم که در یوحنا فصل‌های ۲۰ و ۲۱، چندین ظهور پس از رستاخیز عیسی به شاگردان وجود دارد.

او زمان زیادی را صرف آموزش آنها در آنجا و آماده کردن آنها برای زندگی در غیاب خود می‌کند. ما این را از سایر بخش‌های کتاب مقدس نیز می‌دانیم، در درجه اول از نحوه عملکرد لوقا در لوقا ۲۴ و اعمال رسولان فصل ۱، تعلیم عیسی به شاگردان بین رستاخیز و عروج. همچنین ممکن است که عیسی به نوعی از طریق روح پس از رستاخیز به نزد آنها بیاید.

یکی از ظهورهای پس از رستاخیز، شامل دمیدن عیسی بر حواریون و گفتن به آنها برای دریافت روح القدس است. او این کار را در چارچوب تجهیز آنها برای مأموریت انجام می‌دهد. همانطور که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم.

بنابراین، برخی از این متون که قرار است با عمق بیشتری به آنها بپردازیم، می‌توانند به این موضوع مربوط باشند که عیسی به این معنا بازمی‌گردد که او روح را برای حفظ حضور خود در میان آنها می‌فرستد. مطمئناً دیگر حضور فیزیکی عیسی با آنها نیست. این یک حضور معنوی است، اما فقط یک حضور مبهم و نامشخص نیست.

این همان حضور عیسی است که از طریق روح خدا به آنها منتقل شده است. بنابراین، او در حال تغییر نحوه حضور خود در میان آنها است. سپس بدیهی است که عیسی شخصاً در پایان عصر وارد می‌شود تا مردگان را زنده کند و داوری را برای جهان به ارمغان بیاورد، امور را داوری کند و جهانی را برپا کند که در آن گناه دیگر بر قوم خدا تسلط نداشته باشد.

فکر می‌کنم این نوع آخرت‌شناسی را در یوحنا نیز می‌توانیم پیدا کنیم. بنابراین، بیایید لحظه‌ای مکث کنیم و به چندین قسمتی که در مورد این نوع چیزها صحبت می‌کنند نگاهی بیندازیم و شروع به مرتب کردن آنها کنیم. سه دسته‌ای که ارائه دادم، تنها گزینه‌های ممکن نیستند.

ما نمی‌خواهیم اینجا دچار نوعی تقلیل‌گرایی شویم. ممکن است دسته‌بندی‌ها و روش‌های تفکر دیگری در این مورد وجود داشته باشد که فراتر از سه دسته‌بندی‌ای باشد که من اینجا به شما ارائه دادم. بنابراین، اگر به فصل ۵ یوحنا برگردیم، شاید به خودمان یادآوری کنیم که در آنجا، زمانی که عیسی بلافاصله با دشمنانش در فصل ۵ یوحنا روبرو شد، کسانی که از نحوه عمل و شفای مرد فلج توسط او خوششان نیامد، اینجاست که به یک معنا، آخرت‌شناسی یوحنا کاملاً بی‌پرده به ما می‌رسد.

آیه ۲۴، به شما می‌گویم هر که کلام مرا بشنود و به فرستنده من ایمان آورد، حیات جاودان دارد و داوری نخواهد شد، بلکه از مرگ به حیات منتقل شده است. توجه می‌کنید که چگونه زبان اینجا کاملاً به سمت آخرت‌گرایی سوق داده شده است. کسی که کلام مرا بشنود و به من ایمان آورد، حیات جاودان دارد و داوری نخواهد شد.

این مانند داوری به عنوان یک رویداد آینده‌ی آخرالزمانی است، تعیین سرنوشت فرد در آینده وقتی که در مقابل خدا می‌ایستیم. این موضوع اکنون حل و فصل شده است. این صرفاً موضوعی نیست که در آینده اتفاق بیفتد.

در آیه بعدی، ۵:۲۵، به راستی به شما می‌گویم زمانی فرا می‌رسد و اکنون فرا رسیده است. این بخش مهم است. و اکنون فرا رسیده است که مردگان صدای پسر خدا را خواهند شنید و کسانی که می‌شنوند زنده خواهند شد.

بنابراین، همان پیام عیسی که او تعلیم می‌دهد و مردم آن را می‌شنوند و به او ایمان می‌آورند، در اینجا به عنوان رستاخیز از مردگان به عنوان مقدمه‌ای برای داوری نهایی مطرح می‌شود. اما این به معنای آن نیست که داوری نهایی وجود نخواهد داشت یا داوری نهایی اکنون کاملاً در حضور محقق شده است. زیرا عیسی در آیه می‌گوید، از این تعجب نکنید، زمانی فرا خواهد رسید که همه کسانی که در قبرهای خود هستند، صدای ۲۸ می‌آورند. او را خواهند شنید و بیرون خواهند آمد.

کسانی که کارهای نیک انجام داده‌اند، زنده خواهند شد. کسانی که کارهای بد انجام داده‌اند، محکوم خواهند شد. بنابراین، فکر می‌کنم عیسی در آیات ۲۸ و ۲۹ به وضوح درباره آنچه که معمولاً به عنوان آخرت‌شناسی آینده، یعنی داوری نهایی نامیده می‌شود، صحبت می‌کند.

کاری که او انجام می‌دهد این است که این واقعیت را که خدمت او زمان داوری است که از قبل در پرتو داوری نهایی به زمین وارد شده است، مدل‌سازی می‌کند. بنابراین، آنچه ما در مورد داوری نهایی می‌دانیم در اینجا انکار نمی‌شود. آنچه اتفاق می‌افتد نوعی بارگذاری اولیه الهیاتی است.

رسالت عیسی در زمان حال، با اصطلاحات آخرالزمانی درک می‌شود. بنابراین، اگر مثلاً از فصل ۵ به تعامل بین عیسی و مارتا در فصل ۱۱ برویم، می‌بینیم که ایلعازر در قبر است و مارتا و مریم و همچنین دوستانشان برای او سوگواری می‌کنند.

در ذهن آنها، عیسی سرانجام چهار روز دیر به اورشلیم رسید. مارتا در یوحنا 11:21 به عیسی می‌گوید خداوندا، اگر اینجا بودی، برادرم نمی‌مرد. «در آیه 23، عیسی به او می‌گوید: «برادرت دوباره زنده خواهد شد.»

او صدای عیسی را می‌شنود که می‌گوید: «می‌دانم که او در روز قیامت دوباره زنده خواهد شد.» بنابراین، او یک آخرت‌شناسی کاملاً مربوط به آینده را در ذهن دارد. شاید وقتی برای اولین بار آیه ۲۳ را می‌خوانیم، فکر کنیم که عیسی نیز از آخرت‌شناسی آینده صحبت می‌کند.

با این حال، با پیشروی داستان، می‌بینیم که او از چیزی بیش از یک آخرالزمان آینده صحبت می‌کند. در پاسخ به نظر مارتا در مورد رستاخیز در روز آخر، عیسی نظری می‌دهد که حدس می‌زنم می‌توان آن را به عنوان آخرالزمان تحقق‌یافته در نظر گرفت. من رستاخیز و حیات هستم.

کسی که به من ایمان بیاورد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد ماند. این جمله شبیه یک بیانیه آخرالزمانی در آینده به نظر می‌رسد. و هر که با ایمان به من زندگی کند، هرگز نخواهد مرد.

بنابراین، اگر در حال حاضر از طریق عیسی با خدا رابطه دارید، مرگ به نوعی مسئله اصلی نیست. مرگ نسبی است. اگر به من ایمان داشته باشید، واقعاً هرگز نخواهید مرد.

تو هرگز واقعاً از حضور خدا جدا نخواهی شد. بنابراین، او به مارتا می‌گوید، آیا این را باور داری؟ مارتا می‌گوید، بله، پروردگارا، من ایمان دارم که تو مسیح هستی، پسر خدا که به جهان خواهی آمد. او در آستانه‌ی دیدن آشکار شدن رستاخیز لازاروس در مقابل چشمانش است، کمی از آخرت‌شناسی تحقق‌یافته.

با کنار هم قرار دادن همه اینها، ما معمولاً از آخرالزمان آغاز شده با قدرت‌های عصر آینده صحبت می‌کنیم و نحوه‌ای که عصر آینده به تصویر کشیده می‌شود، از قبل در زندگی ما حضور داشته است. متن اصلی بعدی ما در یوحنا در مورد آمدن عیسی و در مورد آخرالزمان، فصل ۱۴، آیات ۲ و ۳ خواهد بود. بنابراین ما معمولاً می‌خواستیم این را به طور خاص متنی بدانیم که در مورد آینده صحبت می‌کند، اما وقتی آن را با پس‌زمینه می‌خوانیم، ساعت در حال آمدن است، اما اکنون زمان آن است، من در حال حاضر رستاخیز و حیات هستم، می‌توان آیات فصل ۱۴، آیات ۲ و ۳ را به عنوان جمله‌ای در مورد حضور خدا با شاگردان از طریق خدمت عیسی خواند. خانه پدر من اتاق‌های زیادی دارد.

اگر اینطور نبود، آیا به شما نمی‌گفتم که می‌خواهم جایی برای شما آماده کنم؟ اگر قرار است جایی برای شما آماده کنم، برمی‌گردم تا شما را با خود ببرم، جایی که من هستم. البته، عیسی به حضور پدر می‌رود. بنابراین ممکن است او در اینجا در مورد روشی صحبت کند که شاگردان را از طریق کار روح در زندگی آنها، به طور کامل‌تری به حضور پدر خواهد آورد.

است که از نظر demoni در ۱۴:۲، من معتقدم که کلمه rooms این اتاق، این متن، این کلمه باقی می‌ماند. این ایده اتاق به معنای meno ریشه‌شناسی با ایده اصلی یوحنا ۱۵ مرتبط است، فعل یونانی مکانی برای اقامت، محل سکونت، مکانی است که در آن اقامت می‌کنید. این کلمه همچنین در اینجا در فصل آیه ۲۳ آمده است، جایی که عیسی در پاسخ به یهودا، نه سوال ایسکاریوتی، می‌گوید: چرا قصد داری، ۱۴ خودت را به ما نشان دهی و نه به جهان؟ بنابراین، یهودا از عیسی می‌پرسد که بلافاصله چه اتفاقی خواهد افتاد.

چرا قصد داری خودت را به ما نشان دهی و نه به جهان؟ عیسی پاسخ داد، هر که مرا دوست دارد، از تعلیم من اطاعت خواهد کرد و پدر آنها را دوست خواهد داشت و ما به سوی آنها خواهیم آمد و خانه خود را با آنها خواهیم ساخت، محل سکونت خود را خواهیم ساخت، مونا خود را خواهیم ساخت، اتاق خود را خواهیم ساخت، اگر بخواهی، با آنها خواهیم ساخت. بنابراین، وقتی ۱۴:۲۳ را می‌خوانیم، آیا می‌خواهیم آن را به عنوان بیانیه‌ای در مورد آخرت‌شناسی آینده یا بیانیه‌ای در مورد حضور معنوی عیسی با شاگردان پس

از رستاخیز از طریق روح بخوانیم؟ یا شاید می‌خواهیم آن را به عنوان روشی بخوانیم که عیسی فقط برمی‌گردد و مدتی بین رستاخیز و عروج با او می‌گذراند. در هر صورت، روش‌های دیگری برای خواندن یوحنا ۳ و ۱۴ وجود دارد، غیر از اینکه صرفاً یک بیانیه ساده در مورد عمارت‌های آسمانی در آینده باشد ۱۴:۲.

ممکن است صرفاً وعده‌ای باشد که اندکی پس از رستاخیز، عیسی به نزد شاگردان باز خواهد گشت و روح را به گونه‌ای به آنها عطا خواهد کرد که آنها با پدر و با قدرت روح در زندگی جدیدی که روح برایشان به ارمغان می‌آورد، ساکن شوند. بنابراین، وقتی به آیات ۱۴:۲ و ۳ در پرتو ۱۴:۲۳ نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که شاید راهی وجود داشته باشد که بتوانیم به متن به عنوان یک آخرت‌شناسی تحقق‌یافته نگاه کنیم. با نگاهی کمی بیشتر به یوحنا ۱۴، به عباراتی که اکنون در مورد آمدن روح القدس آمده است توجه کنید.

من از پدر خواهم خواست، او مدافعی دیگر، یاوری دیگر به شما خواهد داد تا به شما کمک کند و تا ابد با شما باشد، یعنی روح راستی. جهان نمی‌تواند او را بپذیرد زیرا نه او را می‌بیند و نه می‌شناسد، اما شما او را می‌شناسید زیرا او با شما زندگی می‌کند و در شما خواهد بود. با توجه به این موضوع، به آیه ۱۸ توجه کنید: من شما را یتیم نمی‌گذارم، نزد شما خواهم آمد.

دیری نخواهد پایید که جهان دیگر مرا نخواهد دید، اما شما مرا خواهید دید. چون من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست. در آن روز خواهید دانست که من در پدر هستم و پدر در من است.

بنابراین، این وعده‌ای که عیسی در آیه ۱۸ می‌دهد، «من نزد شما خواهم آمد». شاید ما طوری تربیت شده‌ایم که این نوع جمله را فقط در مورد آینده بدانیم، مثلاً آمدن دوم عیسی در پایان عصر. اما به نظر می‌رسد که از نظر زمینه‌ای به وعده آمدن روح القدس مربوط می‌شود.

بنابراین، احتمالاً فقط در مورد آمدن نهایی و دوم عیسی صحبت نمی‌شود، اگر اصلاً صحبتی باشد، بلکه در مورد روشی است که آنها همچنان حضور او را تجربه خواهند کرد. او از طریق روحی که قرار است به آنها عطا کند، به سوی آنها خواهد آمد. اگر به آیات ۲۵ و ۲۶ نگاه کنیم، وعده دیگری از آمدن روح القدس را خواهیم دید.

همه اینها را وقتی با شما بودم به شما گفتم، اما مدافع، یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من خواهد فرستاد، او همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یادتان خواهد آورد. این تقریباً همان چیزی است که گویی عیسی شخصاً نزد آنها آمده است، اگر آنها روحی را داشته باشند که به طور خاص در مورد آنچه او گفته است به آنها می‌گوید، گویی عیسی شخصاً در کنار آنها حضور داشته است. بنابراین، فکر می‌کنم نکته‌ای را که سعی دارم بیان کنم، متوجه شده‌اید.

من دیگر قصد ندارم هیچ یک از این متون را به طور کامل شرح دهم، اما به نظر می‌رسد که آمدن روح القدس، آمدن عیسی به سوی شاگردان است. و برخی از راه‌هایی که او وعده می‌دهد به سوی آنها می‌آید و آنها را یتیم رها نمی‌کند، آنها را رها نمی‌کند، بلکه رابطه‌اش را با آنها ادامه می‌دهد، متونی هستند که به نظر من در مورد وقایعی صحبت می‌کنند که به زودی اتفاق می‌افتند و به آمدن روح القدس مربوط می‌شوند. یک متن نهایی در یوحنا که در مورد آمدن مسیح بسیار جالب است، در موخره کتاب در فصل ۲۱ است، جایی که عیسی با پطرس در مورد آینده‌اش صحبت می‌کند و گویی پطرس را با سوال سه‌گانه‌اش، آیا مرا دوست داری، به خدمت بازمی‌گرداند؟ اما عیسی به صحبت با پطرس ادامه می‌دهد و پطرس، پس از آن، با دیدن شاگرد محبوبش حواش پرت می‌شود و در آیات ۲۱-۲۱ از عیسی می‌پرسد، او چگونه؟ مثلاً اگر این سرنوشت من است، سرنوشت او چگونه؟ و عیسی اساساً به پطرس می‌گوید، این واقعاً به تو ربطی ندارد.

در آیات ۲۱ و ۲۲، اگر بخواهم او، یعنی آن شاگرد محبوب، تا زمان بازگشت من زنده بماند، به تو چه؟ باید از من پیروی کنی. به همین دلیل، راوی، شاگرد محبوب اضافه می‌کند که شایعه‌ای در میان مؤمنان پخش شده که این شاگرد نخواهد مرد. اما البته، عیسی نگفت که او نخواهد مرد.

او فقط گفت، اگر بخواهم او تا زمان بازگشت من زنده بماند، به تو چه؟ بنابراین، این متونی که در آیات ۲۱-۲۳ از بازگشت عیسی صحبت می‌کنند، به نظر می‌رسد متون آخرالزمانی آینده باشند. به نظر ۲۱-۲۲ می‌رسد که آنها هنوز به این واقعیت فکر می‌کنند که اگر عیسی بخواهد شاگرد محبوبش تا زمان بازگشت او به زمین در آینده زنده بماند، چه می‌شود؟ این به خودش بستگی دارد. اما البته، شاگرد محبوب می‌گوید که واقعاً این را نگفته است.

او گفت، اگر من این را بخواهم چه؟ بنابراین، ما هر دو متن آخرالزمانی آینده را در یوحنا داریم، اما باید بگوییم که شاید تأکید بر زمان حال باشد. و تصویرسازی آینده، آنچه را که خدا در حال حاضر در جهان انجام می‌دهد، توصیف می‌کند. و بنابراین، ما آن را به عنوان آخرالزمانی آغازین توصیف می‌کنیم.

آینده از قبل به شکلی قدرتمند به زمان حال آمده است. بنابراین ما حضور آینده را داریم. ما قبلاً این کار را کرده‌ایم، اما هنوز نه.

یا اینکه الان داریم، اما هنوز نه، همانطور که گاهی اوقات گفته می‌شود. بنابراین، وقتی به یوحنا ۱۴ آیات ۲ و ۳ نگاه می‌کنیم، از خود می‌پرسیم که تأکید در آنجا چیست؟ واقعاً چه چیزی آموزش داده می‌شود؟ و به نظر من احتمال اینکه این یک آخرت‌شناسی تحقق‌یافته باشد، بسیار بیشتر از آن چیزی است که من اخیراً در مورد آن فکر می‌کردم. شما باید در مورد آن تصمیم خودتان را بگیرید.

وقتی به آخرت‌شناسی در عهد جدید فکر می‌کنیم، واقعاً دو مدل متفاوت از آن داریم، همانطور که در الهیات عامیانه توضیح داده شده است. خب، ما نوعی آخرت‌شناسی آسمانی داریم که در آن به ما آموخته شده است که عیسی بازمی‌گردد تا ما را ربوده و از دنیا به حضور خود در بهشت ببرد، و بدیهی است که همه چیز را در دنیا تقریباً به همان شکلی که قبلاً بوده است، باقی می‌گذارد. این متن در اول تسالونیکیان ۴ از پولس، متنی است که قصد دارد تسالونیکیان را تسلی دهد و شاید برخی از سردرگمی‌هایی را که در مورد هم‌ایمانان خود که قبلاً فوت کرده بودند، داشتند، برطرف کند.

آنها آشکارا از خود می‌پرسیدند که آیا هم‌ایمانانشان به نحوی از دیدن دوباره عیسی محروم می‌شدند، چه به دلیل رستاخیز او و چه به دلیل زنده نبودنش در زمان بازگشتش. در متن به نوعی سردرگمی وجود داشت. پولس می‌گوید نگران این موضوع نباشید، هیچ نوع حذفی از این افراد وجود نخواهد داشت، بلکه هنگام بازگشت مسیح، نوعی از کسانی که قبلاً مرده‌اند و کسانی که زنده هستند، دوباره به هم خواهند پیوست.

بدیهی است که این متنی درباره آخرالزمان آینده است. من نمی‌دانم که لزوماً به این معنی است که هیچ اتفاقی روی زمین نخواهد افتاد، اما نوعی آخرالزمان زمینی نیز در متونی مانند یوحنا ۵:۲۸ و ۲۹ وجود دارد که درباره آنچه خدا در حال حاضر روی زمین انجام می‌دهد صحبت می‌کنند. من فکر می‌کنم روشی که خداوند ما عیسی به ما آموخت تا دعا کنیم، طبق سنت متی، متی ۶:۱۰، این است که باید برای آمدن پادشاهی خدا دعا کنیم تا اراده خدا انجام شود و نام خدا همانطور که در آسمان است، بر روی زمین نیز گرامی داشته شود.

بنابراین، وقتی این دعا را می‌خوانیم، شاید در درجه اول به بازگشت نهایی مسیح فکر می‌کنیم تا اوضاع زمین را درست کند و آنچه را که خراب است، درست کند، اما شاید حتی به زبان عامیانه هم به آن فکر می‌کنیم. نمی‌دانم وقتی آنطور که عیسی به ما یاد داد دعا می‌کنید، چه فکری در مورد آن دارید، آیا صرفاً به آخرالزمان

فکر می‌کنید، به اصطلاح، وقتی مسیح به زمین برمی‌گردد و آنچه را که خراب است درست می‌کند، یا اینکه وقتی این دعا را می‌خوانید، به چیزهای کوچک، تدریجی و جزئی فکر می‌کنید، که به طور نسبی، حکومت خدا را بر روی زمین نشان می‌دهند. من به هر دو صورت به آن فکر کرده‌ام، وقتی دعا می‌کنیم که اراده تو همانطور که در آسمان است، بر روی زمین انجام شود، باشد که پادشاهی تو بیاید، و چیزهای نسبتاً کوچکی مانند حل مشکلات زناشویی یک زوج که آنها را آزار داده است و کودکی که سرکش بوده و مشکلاتی برای درست شدن و پیروی کامل‌تر از مسیح دارد، گرد هم آمدن یک محله و حل اختلافات قومی یا چیزهایی از این قبیل، هر چیز کوچکی که قدرت انجیل عیسی را به شکلی کوچک نشان می‌دهد.

روی هم رفته، این چیزها در حال حاضر قدرتی را به ما نشان می‌دهند که در نهایت در آینده بر جهان کاملاً حکومت خواهد کرد. بنابراین، در میان زندگی‌های مسیحی خودمان به عنوان افراد، وقتی پیروزی‌هایی به دست می‌آوریم، وقتی در ایمان خود در مسیح رشد می‌کنیم، در میان خانواده‌های مسیحی، در میان مسیحیانی که در محله‌ها زندگی می‌کنند و فرصت‌هایی برای حضور مسیح در آنجا دارند، در محل کار که مسیحیان فرصتی برای شهادت و تأثیرگذاری برای مسیح دارند، در کلیساهایی که متبرک می‌شوند و با انجیل به محله‌های خود و سراسر جهان می‌رسند و به مردم نشان می‌دهند که قوم خدا بودن با عشق به یکدیگر و با وحدتشان چگونه است. همه این چیزها حضورها و قدرت‌های فزاینده خداوند هستند که در جهان نشان داده می‌شوند.

بنابراین، وقتی به متونی مانند دعای ربانی فکر می‌کنیم، وقتی به متونی مانند یوحنا باب ۱۴ و نحوه تجلی حضور خدا در جهان و نشان دادن حکومت و سلطنت خدا به مردم توسط مسیحیان امروزی فکر می‌کنیم، این به نوعی نویدبخش یا نویدبخش آینده است. بنابراین، به نظر من هر دوی این شیوه‌های نگاه به آخرت‌شناسی بسیار مهم هستند. سوال این است که یوحنا ۱۴: ۲ و ۳ چگونه با این دو شیوه تفکر در مورد آخرت‌شناسی مطابقت دارند؟ و من این سوال را به شما واگذار می‌کنم تا در آینده خودتان در مورد آن فکر کنید.

من هنوز در حال بررسی این موضوع هستم. خب، یوحنا ۱۴ تا ۱۶ در مورد روح القدس چه می‌گوید؟ کلمه مشخصی که در اینجا استفاده شده، کلمه یونانی پاراکلتوس است. شما اغلب می‌شنوید که مردم در کلیسا در مورد آن صحبت می‌کنند.

ما می‌شنویم که مردم درباره پاراکلیت، پاراکلیت صحبت می‌کنند. فکر می‌کنم این بهترین توصیف برای این موضوع باشد. بنابراین، ما این چندین متن را داریم که از روح القدس به این شکل صحبت می‌کنند.

وقتی به نحوه استفاده از کلمه‌ی پاراکلتوس در یونان باستان نگاه می‌کنیم، این کلمه برای توصیف یک فرد معمولاً یک انسان، استفاده می‌شود که می‌تواند نوعی مدافع قانونی، یک وکیل، یک مدافع در دادگاه، می‌تواند کسی باشد که نوعی مشاور است، یک متخصص که مشاوره ارائه می‌دهد، می‌تواند کسی باشد که سعی می‌کند شما را به چیزی متقاعد کند یا شما را به انجام کاری ترغیب کند یا فقط به نوعی برای شما شفاعت کند. بنابراین، این کلمه از این نظر پیشینه‌ی نسبتاً گسترده‌ای دارد، اگرچه موضوع وکالت قانونی بخش بزرگی از پیشینه‌ی آن است. بنابراین، وقتی عیسی از روح صحبت می‌کند، دشوار است که بدانیم آیا باید این کلمه را به عنوان یاور، مدافع، تسلی‌دهنده ترجمه کنیم یا فقط آن را به انگلیسی بنویسیم و او را پاراکلیت بنامیم و به همین بسنده کنیم.

فکر می‌کنم من تا حدودی طرفدار این هستم که روح القدس را یاور بنامم، چون این تقریباً همه موارد را از کلمه حامی استفاده می‌کند و این هم اشکالی ندارد. در اینجا در مورد NIV پوشش می‌دهد. می‌بینم که روحی که عیسی به شاگردان وعده می‌دهد چه می‌بینیم؟ فصل ۱۴، آیه ۱۶ می‌گوید، من یک حامی دیگر به شما خواهم داد تا به شما کمک کند و برای همیشه با شما باشد.

به نظر من، کلمه «دیگر» در اینجا مهم است، زیرا به نظر می‌رسد که دلالت بر این دارد که عیسی تا به حال مدافع آنها بوده است و بنابراین او مدافع دیگری را برای آنها فراهم می‌کند، کسی که کاری را که او قبلاً انجام داده است ادامه خواهد داد. او برای کمک به آنها می‌آید. بنابراین به طور کلی، روح القدس یاور آنها خواهد بود و برای همیشه با شما خواهد بود.

بنابراین، کسی خواهد بود که از صمیم قلب با آنها در ارتباط است و حضور خدا را نشان می‌دهد. او با آنها خواهد بود تا به آنها کمک کند. او روح حقیقت است.

بنابراین، روح حقیقت به این معنی است که روح آنجاست تا به آشکار کردن خدا به آنها ادامه دهد، به آنها نشان دهد که خدا واقعاً کیست و حقیقت خدا، حقایق گزاره‌ای در مورد اینکه خدا واقعاً کیست را برایشان آشکار کند. جهان نمی‌تواند او را بپذیرد زیرا نه او را می‌بیند و نه او را می‌شناسد، اما شما او را می‌شناسید زیرا او با شما زندگی می‌کند و در شما خواهد بود. این عبارت که با شما زندگی می‌کند و در شما خواهد بود، زبان جالبی نیز هست.

مطمئناً، روح القدس تا این لحظه از شاگردان غایب نبود. به یاد داریم که در یوحنا ۷، آیه ۳۹، آمده است که متن می‌گوید روح القدس هنوز عطا نشده بود زیرا عیسی هنوز جلال نیافته بود. این متن به این معنی نیست که روح القدس از قبل خدمت و فعالیت، حضوری در میان شاگردان، نداشته است، بلکه به این معنی است که پس از جلال یافتن عیسی، یعنی برخاستن و صعود به آسمان، حضور روح القدس بیشتر در زندگی آنها ظاهر می‌شد.

بنابراین، من فکر می‌کنم این متن اینجا، او با شما زندگی می‌کند و در شما خواهد بود، به این موضوع نیز مربوط می‌شود. عیسی سپس می‌گوید، من شما را یتیم نخواهم گذاشت. من نزد شما خواهم آمد.

بنابراین، به گمان من، روح القدس از همه مهم‌تر، عیسی است، از نظر عملکردی، خدمت در زندگی ما از طریق روح. بنابراین روح، مسیح‌شناسانه است. روح، مسیح‌محور است.

آمدن روح القدس به این معنی است که خود عیسی در روح القدس به سوی آنها می‌آید. بنابراین روح القدس یک عامل آزاد نیست. روح القدس اختیار خودش را ندارد.

روح القدس آنجا نیست که مردم را به سمت پنوماتیک شدن سوق دهد. روح القدس آنجاست تا مردم را از طریق پنوماتیک شدن به سمت مسیحایی شدن هدایت کند. روح القدس آنجاست تا آنها را هرچه بیشتر به مسیح وفادار کند.

در اینجا در یوحنا ۱۴، آیه ۲۶، کمی بیشتر در مورد روح القدس تعلیم می‌دهیم. در اینجا او می‌گوید، مدافع یعنی روح القدس، که پدر او را به نام من می‌فرستد، همه چیز را به شما تعلیم خواهد داد و هر آنچه را که به شما گفته‌ام به یاد شما خواهد آورد. بنابراین، روح القدس قرار است کلیسا را تعلیم دهد.

روح قرار است همه چیز را به شما آموزش دهد. بدیهی است که ما باید محدودیت‌هایی در مورد کلمه همه «از نظر زمینه‌ای داشته باشیم. من باور ندارم که عیسی قول داده باشد که روح به آنها علوم کامپیوتر» و اختراعات و چیزهایی از این قبیل را آموزش خواهد داد.

او همه چیزهای مربوط به زندگی و خدا ترسی و چگونگی شاگردی عیسی را به آنها می‌آموزد. و او این کار را با یادآوری هر آنچه که من به شما گفته‌ام انجام خواهد داد. بنابراین، روح القدس نمی‌آید تا از آنچه عیسی

تعلیم داده است، شاخه‌ای جدید ایجاد کند و چیزهای جدیدی را که هرگز حتی در خدمت عیسی نیز به آنها اشاره نشده بود، آموزش دهد.

روح القدس می‌آید تا تعلیمی را که عیسی آغاز کرده است، ادامه دهد و هر آنچه را که عیسی گفته است، به آنها یادآوری کند. علاوه بر این، به یوحنا فصل ۱۵، آیات ۲۶ و ۲۷ نگاهی می‌اندازیم. در آن روز چیزی به نام من نخواهید پرسید.

نمی‌گویم که از پدر خواهم پرسید، ببخشید، این بار درست می‌گویم، ۱۵، ۲۶، در آن روز به نام من خواهید پرسید. نمی‌گویم که از طرف شما از پدر خواهم پرسید. نه، خود پدر شما را دوست دارد زیرا من از جانب شما آمده‌ام و شما ایمان آورده‌اید که من از جانب خدا آمده‌ام.

این آیه مستقیماً به چیزی که دنبالش هستم اشاره نمی‌کند، بنابراین آیه اشتباهی را پیدا کردم. از این بابت عذرخواهی می‌کنم. می‌گویم که در فصل ۱۶ دنبالش می‌گردم، به همین دلیل در آیه اشتباهی هستم.

من به فصل ۱۵، آیات ۲۶ و ۲۷ نیاز دارم. حالا که در جای درست هستم، امیدوارم شما هم با من باشید وقتی آن مدافع که او را از جانب پدر نزد شما می‌فرستم بیاید، یعنی روح راستی که از پدر می‌آید، او، ۲۶، ۱۵، درباره من شهادت خواهد داد و شما نیز باید شهادت دهید، زیرا از ابتدا با من بوده‌اید.

این متن دیگری است که به ما نشان می‌دهد روح آینده، روحی مسیح‌محور از جانب خدا خواهد بود. او روح حقیقت نامیده می‌شود و حقیقتی که او در آن نفوذ می‌کند و تعلیم می‌دهد، حقیقت مسیح‌شناختی است می‌گوید که او درباره من شهادت خواهد داد. البته در ادامه فصل ۱۶، درباره چگونگی ملزم کردن جهان توسط روح صحبت می‌کند.

و باز هم، کار ملزم‌کننده‌ی روح که در آیه ۸ و آیه‌های بعدی از آن صحبت شده است، به گناه و عدالت و داوری مربوط می‌شود. و البته این به رابطه‌ی مردم با عیسی مربوط می‌شود. بنابراین، از نظر درک کار روح در یوحنا ۱۴ تا ۱۶، اگرچه دقیقاً کنار هم قرار نگرفته است، برای من واضح به نظر می‌رسد که وقتی عیسی از دادن فرمانی جدید به آنها صحبت کرد و اینکه آنها یکدیگر را دوست خواهند داشت و با دوست داشتن یکدیگر، جهان باور خواهد کرد که آنها شاگردان او هستند.

برای من آشکار است که روشی که عیسی آنها را قادر می‌سازد تا دقیقاً همین کار را انجام دهند، یعنی یکدیگر را دوست داشته باشند، همانطور که او آنها را دوست داشته است، از طریق خدمت روح القدس است که می‌آید، کسی که آنها را از احساس یتیم و رها شده بودن باز می‌دارد، و سپس آنها را قادر می‌سازد تا به خدا خدمت کنند و رابطه خوبی با یکدیگر داشته باشند. بنابراین، برای خلاصه کردن آنچه تاکنون در مورد روح القدس در انجیل یوحنا دیده‌ایم، و سپس می‌خواهیم قبل از پایان ویدیو، لحظه‌ای را صرف فکر کردن در مورد چگونگی آموزش همه چیز توسط روح القدس به ما کنیم. تاکنون در مورد روح القدس در انجیل یوحنا چه دیده‌ایم؟ دیده‌ایم که عیسی کسی است که روح را از پدر دریافت می‌کند.

این از خدمت یحیی تعمید دهنده در فصل ۱ و همچنین عبارت فصل ۲، شاید حتی در ۶:۲۷، است که در آن عیسی می‌گوید او کسی است که پدر مهر خود را بر او زده است، روشی برای توصیف کار روح القدس است. در اتاق بالا، ما در حال خواندن سخنرانی وداع درباره عیسی هستیم. هم پدر و هم عیسی در متون مختلف به روش‌های کمی متفاوت به عنوان کسانی که با هم روح القدس را پس از رستخیز به شاگردان می‌فرستند، مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

در این موقعیت که پس از رستخیز به سوی شاگردان فرستاده شده است، روح القدس به عنوان حضور مداوم یا پیوسته عیسی به شاگردان خدمت می‌کند. بنابراین، بسیار مهم است که به خودمان یادآوری کنیم همانطور که شاگردان اولیه با عیسی راه می‌رفتند و صحبت می‌کردند، عیسی نیز هنگام رفتن، روح القدس را با آنها گذاشت تا کلیسای در حال توسعه، رابطه‌ای مداوم با عیسی داشته باشد. بنابراین، اینطور نیست که عیسی ما را بدون حضور خود ترک کرده باشد، بلکه اینطور است که عیسی از طریق کار روح القدس، نحوه حضور خود در میان قومش را تغییر داده است.

عادت کردن به این چیز سختی است، و فکر می‌کنم ما هم مثل شاگردان اولیه در یوحنا ۱۶ به این عادت می‌کنیم، جایی که عیسی گفت، رفتن من برای شما مصلحت است. او تقریباً دارد می‌گوید، شما به رفتن من نیاز دارید. من باید از اینجا بروم.

و تقریباً غیرقابل تصور است که چنین چیزی ممکن باشد. احتمالاً یکی از ناهماهنگ‌ترین متون عهد جدید از نظر شناختی، جایی که عیسی اساساً می‌گوید، وقتی من نباشم، حال شما بهتر خواهد بود. بدیهی است که او خودش را تحقیر نمی‌کند یا نمی‌گوید، من آن کسی نبوده‌ام که باید با شما باشم.

اما او به شما می‌گوید، وقتی من بروم، روح القدس خواهد آمد و آن توانمندسازی کلیسای جهانی چیزی خواهد بود که حتی از حضور فیزیکی من با گروه محدودی از شاگردان در فلسطین، نعمتی شگفت‌انگیزتر خواهد بود. در نهایت، روح القدس در مورد عیسی شهادت می‌دهد و جهان را به گناه محکوم می‌کند. به این فکر کنید که اگر زندگی و خدمات ما توسط کار روح القدس تقویت، پشتیبانی و تقویت نشوند، چقدر بی‌فایده خواهند بود.

اگر به خاطر این حقیقت نبود که خداوند عیسی مسیح روح القدس را با ما به جا گذاشت تا روح القدس شهادت ما را تقویت کند، زندگی و صحبت کردن برای خدا و صحبت کردن برای مسیح در این دنیای گناه آلود چقدر بیهوده می‌بود. جالب است که آخرین متن در انتهای یوحنا ۱۵، خدمت، شهادت شاگردان و شهادت روح القدس را به هم پیوند می‌دهد. شما شهادت خواهید داد و روح القدس نیز

آیا خوب نیست بدانیم که همانطور که کلیسا به انجیل شهادت می‌دهد و با زندگی و فعالیت‌هایش و با پیامش به جهان، روح القدس خدا از آن پشتیبانی می‌کند و به آن قدرت می‌بخشد و آن را معتبر و در جهان ثمربخش می‌کند؟ در نهایت، همانطور که ویدیو را به پایان می‌رسانیم، فقط یک سوال که حدس می‌زنم کمی عملی‌تر از یک سوال مستقیماً الهیاتی است، این است که چگونه وعده‌ای که عیسی داده است که روح همه چیز را به شما خواهد آموخت، چگونه این اتفاق می‌افتد؟ ما امروز در جهان افرادی داریم که ادعا می‌کنند همه چیز توسط روح به آنها داده شده است. اصلاً غیرمعمول نیست که به کلیسا بروید و بشنوید کسی بگوید، این ایده از کتاب مقدس به من الهام شده است، یا بشنوید کسی که دیشب در حال دعا بودم بگوید، عیسی این را به من آموخت، یا عیسی آن را به من گفت، و حالا این کاری است که شما باید انجام دهید زیرا عیسی به من گفت که باید این کار را انجام دهید.

آدم گاهی اوقات در مورد بعضی از چیزهایی که مردم وقتی این نوع بینش را دارند که معتقدند از عیسی دریافت کرده‌اند، می‌گویند، تعجب می‌کند. فکر می‌کنم مهم‌ترین چیزی که باید به آنها گفت این باشد که خب، اگر عیسی به من بگوید، این کار را می‌کنم، اما قرار نیست فقط به خاطر اینکه عیسی به شما گفته این کار را انجام دهم. پس چطور می‌دانیم عیسی به چه کسی، چه چیزی و چگونه گفته است؟ بنابراین افرادی هستند که اساساً تمایل دارند این آیه را به عنوان نویدبخش این بدانند که هر چیزی که به طور شهودی به ذهنشان خطور می‌کند، صدای خداست، صدای عیسی از طریق روح القدس در زندگی آنهاست.

بدیهی است که این می‌تواند منجر به رواج ذهنیت گرایی و انواع بدعت و هر چیز دیگری در کلیسا شود. اگر تنها راه برای اعتبار بخشیدن به گفته‌ای که بیان می‌کنیم این باشد که بگوییم آن را از عیسی گرفته‌ایم، پس فکر می‌کنم مردم باید هر کاری را که ما می‌گوییم انجام دهند. این روش بسیار خوبی برای رسیدن به خواسته‌هایتان خواهد بود.

اما بدیهی است که این روش مناسبی برای درک ما از آنچه روح می‌گوید نیست. بنابراین، یک نوع صرفاً شهودی از چیزی معتبر نیست. بنابراین شاید باید آن را در امتداد چیزی که اغلب به عنوان اشراق شناخته می‌شود، در نظر بگیریم.

ما می‌شنویم که مردم می‌گویند با مطالعه‌ی کتاب مقدس، روشن ضمیر شده‌اند، به نحوی روشن ضمیر شده‌اند. این احتمالاً روش بهتری برای نگاه کردن به آن نسبت به گزینه‌ی اول ماست که کاملاً شهودی است، زیرا حداقل اکنون تا حدودی کتاب مقدس را در نظر داریم، و این همیشه چیز خوبی است، فکر نمی‌کنید، وقتی می‌گوییم مردم باید کارهایی انجام دهند یا به چیزهایی اعتقاد داشته باشند که بتوانیم آن را به کتاب مقدس متصل کنیم. بنابراین، اگر این روشی باشد که ما آن را درک می‌کنیم، این است که خدا ذهن ما را باز می‌کند، شاید در امتداد روشی که خداوند ما عیسی ذهن شاگردان را در جاده‌ی امائوس باز کرد تا عهد عتیق را درک کنند، تا آموزه‌های آن را همانطور که به او مربوط می‌شد، درک کنند.

بنابراین، این حداقل به نفع این ایده است که به مطالعه کتاب مقدس مربوط می‌شود و خدا به ما کمک می‌کند تا کتاب مقدس را بفهمیم. یا شاید بتوانیم آن را کمی تغییر دهیم و بگوییم که این موضوع ما را روشن نمی‌کند یا ذهن ما را برای درک کتاب مقدس باز نمی‌کند، بلکه کتاب مقدس را برای ما روشن می‌کند، که قدرت، قدرتی نیست که مستقیماً از جانب خدا و از طریق روح به ما هدایت شود، بلکه قدرت خدا از طریق قدرت کتاب مقدس است. کتاب مقدس در حال تأثیرگذاری بر ماست، نه اینکه ذهن ما باز باشد، بلکه کتاب مقدس برای ما باز باشد.

بنابراین، تأکید خیلی روی ما نخواهد بود، بلکه روی کتاب مقدس خواهد بود. بنابراین، من فکر می‌کنم این دو رویکرد میانی بسیار بهتر از رویکرد اول هستند، اما امروزه افراد زیادی هستند که تصور می‌کنند این مطالب در یوحنا ۱۴ تا ۱۶ اصلاً در مورد ما نیست، و این وعده‌ها محدود به افرادی است که در ابتدا به آنها داده شده است. عیسی در اینجا مستقیماً نمی‌گوید که من به کلیسا به عنوان یک کل در طول قرن‌ها بینش فوری در مورد آموزه‌هایم خواهم داد.

عیسی داشت با آن ۱۲ نفر صحبت می‌کرد. او داشت با حلقه‌ی صمیمی‌اش صحبت می‌کرد. فکر کنم باید بگوییم که در این لحظه داشت با آن ۱۱ نفر صحبت می‌کرد، نه با آن ۱۲ نفر.

و بنابراین، تمرکز بر روی آنهاست. و وقتی آنها را به عنوان معلمان بنیادی کلیسا در نظر می‌گیرید، و از آنها و همراهانشان کتب عهد جدید به ما می‌رسد، شاید بخواهیم همانطور که این آخرین درک انجام می‌دهد، بر کتب مقدس عهد جدید تمرکز کنیم. در آن زمان وعده مستقیماً به ۱۲ نفر، به عبارت بهتر به ۱۱ نفر داده شد، و آنها کسانی هستند که خدا از طریق آنها، آنها و همراهان نزدیکشان در روزهای اولیه، صلاح دید که عهد جدید را ارائه دهند.

بنابراین، اگر بگوییم که روح القدس همه چیز را به ما می‌آموزد، به این معناست که بگوییم روح القدس کلیسای اولیه را با تمرکز بر سنت رسولان، برای تولید عهد جدید هدایت خواهد کرد. بنابراین، ما آموزه‌های عهد جدید الهام گرفته از روح القدس و تولید شده توسط روح القدس را داریم که همه چیز را به ما می‌آموزد. بنابراین، نمی‌دانم شما چگونه به این گزینه‌ها پاسخ می‌دهید.

امیدوارم همه ما بگوییم که این موضوع بیش از حد مبهم است، که ما صرفاً از طریق روح القدس درک شهودی از خدا دریافت نمی‌کنیم. ما باید یک راهنما، یک استاندارد عینی و یک مرجع داشته باشیم تا به ما در اعتبارسنجی اظهارات شهودی که عجیب و غریب و اشتباه هستند، کمک کند. مردم همیشه وقتی فکر می‌کنند چیزی از خدا شنیده‌اند، درست متوجه نمی‌شوند.

بنابراین، ما باید اولویت را به کتاب مقدس بدهیم. بنابراین، چه فکر کنید که این رویکرد آخر درست است یا نه، مطمئناً محتاطانه‌ترین رویکرد، مطمئناً مطمئن‌ترین درک از آنچه خدا امروز در جهان انجام می‌دهد، این است که بگوییم خدا از طریق دوره عهد جدید به کلیسا آموزش می‌دهد، و شما نمی‌توانید خودتان در مورد برداشت‌ها یا شهودها یا الهاماتی که از خدا هنگام مطالعه کتاب مقدس دریافت می‌کنید صحبت کنید. من شخصاً این نظر را دارم که این یک امر هم زمان است و هم اینکه ما شاید از طریق کتاب مقدس الهاماتی از خدا دریافت کنیم، همانطور که روح القدس ما را هدایت می‌کند، اما بهتر است خیلی خیلی مطمئن شویم که چیزهای شهودی که فکر می‌کنیم ممکن است از خدا دریافت کرده باشیم، الهاماتی که احساس می‌کنیم، در واقع از جانب خدا هستند و نه از جانب روح دیگری یا صرفاً از روان آشفته خودمان که در آن تمایل داریم چیزهایی را پیدا کنیم که همیشه می‌خواستیم، فقط به دلیل چیزی که گاهی اوقات تعصب تأیید نامیده می‌شود.

بنابراین امیدواریم این گزینه‌ها ما را با خرد و حکمت وادارند تا دریابیم که انسان روح بودن، انسان ذهن روح بودن، انسان خردمند بودن و کمک به دیگران برای پیروی از آموزه‌های مسیح از طریق کتاب مقدس به چه معناست.

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۶، سخنرانی خداحافظی، فرمانی جدید و یآوری دیگر است. یوحنا ۱۳:۳۱-۱۴:۳۱.